

پایان ماه عسل ترامپ و پوتین؟

سه‌شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۴ | ۳۰ ربيع الاول ۱۴۴۷ | ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۱۸ | صفحه ۷ | هزار تومان

تیتیر های امر وز



طنز در قفس، روزنامه‌نگاری در دادگاه
به بهانه تعطیلی برنامه جیمی کیمل

سانسور ترامپی

■ پروژه خاموش‌سازی منتقدان ترامپ چگونه پیش می‌رود؟

صفحه ۵

پژشکیان امروز برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به آمریکا می‌رود

حکایت نیویورک روایت نیویورک

گزارش «وطن امروز» از عدم توافق بر سر نرخ خرید تضمینی گندم

زمان کاشت است

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: روزهای تلخ استقلال با تکرار اشتباهات فردی ادامه دارد

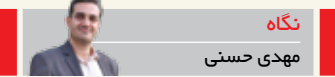
معمای بی جواب

■ شروع توفانی وینگر آلبانیایی استقلال آسانی ستاره واقعی

صفحه ۶

دموکراسی آمریکایی

در سراسیمگی سقوط



وضعیت دموکراسی و درگیری‌های سیاسی و البته اجتماعی در آمریکا به چنان مرحله‌ای رسیده که حتی اروپایی‌ها را نیز به فکر ارائه راه‌حل انداخته. بر همین اساس، تیموتی گارتن، تاریخ‌نگار، نویسنده و استاد دانشگاه بریتانیایی که نویسنده آثار مهمی در سال‌های اخیر محسوب می‌شود، در متنی که در سایت شورای روابط خارجی اتحادیه اروپایی منتشر شد، نسبت به آینده سیاسی آمریکا و احتمال درگیری در این کشور هشدار داد. وضعیت دموکراسی آمریکایی از نظر او چنان وخیم است که به باورش، مردم آمریکا زمان محدودی برای نجات نظام سیاسی خود دارند: «تمام کسانی که خود را در سنت دموکراسی تعریف می‌کنند، تنها ۴۰ روز فرصت دارند نجات دموکراسی آمریکا را آغاز کنند. اگر در انتخابات میان‌دوره‌ای پاییز آینده، گنگراهی پدید آورند که بتواند دونالد ترامپ را مهار کند، آنگاه ۷۰۰ روز دیگر فرصت خواهند داشت تا مقدمات انتقال مسالمت‌آمیز قدرت اجرایی را هم فراهم کنند؛ انتقالی که تنها تضمین‌کننده آینده این جمهوری است. این کار می‌تواند عملیات نجات دموکراسی آمریکایی در ۲ مرحله نام گیرد». به باور او وضعیت دموکراسی در آمریکا با وجود ترامپ چنان وخیم است که «در طول ۷ هفته‌ای که تا بستان اسمال در ساختن است» به باور او، وضعیت و خشونت اجرایی حملات ترامپ به آنچه پیش‌تر هنجارهای تثبیت‌شده دموکراسی آمریکا به نظر می‌رسید و از ضعف نوپدانه مقاومت در برابر آن، به‌تازده شدم. شواهد بین‌المللی فزاینده‌ای نشان می‌دهد وقتی یک دموکراسی لیبرال تضعیف شود، بازسازی آن بسیار دشوار است. تخریب به مراتب آسان‌تر از ساختن است». به باور او، وضعیت مرعوب شدن دموکراسی و نهادهای سیاسی در آمریکا تا زمانی که ترامپ چنین بی‌محابا در حال ترک تازی است، ادامه خواهد داشت: «دموکراسی آمریکا نیاز دارد کنگره، یعنی همان ابزاری که در قانون اساسی برای مهار قدرت رئیس‌جمهور پیش‌بینی شده، دوباره کار کرد واقعی‌اش را از سر گیرد. این اتفاق تا وقتی جمهوری خواهان که زیر سلطه و ارعاب ترامپ هستند، هر مجلس را در دست دارند، رخ نخواهد داد». او در عین حال با مشاهده وضعیت آمریکا، دست به یک پیش‌بینی متهورانه می‌زند: پیش‌بینی‌ای که به باور او، به خشونت در کف خیابان‌های آمریکا منتهی خواهد شد، چرا که آمریکا در حال تجربه سطحی از خشونت است که در همه جای جهان بی‌سابقه محسوب می‌شود: «هیچ جامعه اروپایی قابل مقایسه با آمریکا از نظر گستردگی خشونت نیست. ادامه در صفحه ۵

چرخش راهبردی چین نسبت به ایران

محدودسازی نفوذ منطقه‌ای چین، کنار آمریکا ایستاده است. دولت چین در آخرین تحول اعلام کرده روند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران موسوم به اسنپ‌ک را به رسمیت نشناخته و آن را اجرا نخواهد کرد. این اتفاق به این معنا خواهد بود که پکن قرار است این تحریم‌ها را نادیده بگیرد و روابطش با ایران را تعمیق بخشد. این رویکرد در ادامه راهبردی است که دولت شی جین‌پینگ در قبال روسیه و نادیده گرفتن تحریم‌های مسکوک اتخاذ کرد. چینی‌ها به صراحت گفته‌اند اجازه شکست روسیه در اوکراین را نخواهند داد. اتفاقات اخیر خاورمیانه و جنگ با ایران چینی‌ها را حامی یمنی‌ها قرار داده است. رسانه صهیونیستی می‌افزاید: دلیل این تغییر، بیش از هر چیز، در منافع راهبردی پکن در منطقه و رویارویی جهانی آن با ایالات متحده نهفته است. چین به طور رسمی دولت یمن را به رسمیت می‌شناسد و مرتباً به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درباره حفظ تمامیت ارضی این کشور رأی مثبت می‌دهد اما در پشت پرده، روابط فعالی با رهبران انصارالله دارد. علت این امر، پیش از هر چیز، رویکرد عملگراییانه چین است، به عنوان کشوری که مقادیر زیادی نفت از خاورمیانه وارد می‌کند، چین در پی تضمین امنیت کشتی‌های تجاری خود در مسیر دریای سرخ است.

امینت انرژی یکی از ستون‌های اصلی چشم‌انداز راهبردی چین است. ازدهای زرد به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، در حال حاضر حدود ۴۰ درصد نفت خود را از خاورمیانه تأمین می‌کند که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۵، برابر شود. این وابستگی شدید، پکن را در برابر آسیب‌پذیری‌های جدی قرار می‌دهد؛ بویژه اگر درگیری یا بی‌ثباتی، گلوگاه‌های حیاتی دریایی همچون دریای سرخ و تنگه هرمز را مختل کند. این مسیرهای راهبردی همچنین حدود ۶۰ درصد تجارت چین با اروپا و آفریقا را شامل می‌شوند و بر اهمیت خطرات ناشی از بی‌ثباتی منطقه می‌افزایند.

ماه گذشته «سرگنی کونیاشین» معاون پیشین سرکنسول روسیه در صنعا (۲۰۱۳-۲۰۱۰) در سایت اسرائیلی NDTV نوشت: اتفاقات جاری که از آوریل ۲۰۲۵ پیرامون شرکت ماهواره‌ای چینی CGSTL شکل گرفته، پرسش‌های فراوانی درباره نقش چین در جنگ دریای سرخ برانگیخته است. واشنگتن مدعی است این شرکت تصاویر ماهواره‌ای در اختیار انصارالله گذاشته که به آنها کمک کرده حملات موشکی و پهپادی خود را علیه کشتی‌های آمریکایی و متحدان واشنگتن هدایت کنند. در واقع، نگرانی بسیاری از تحلیلگران رو به افزایش است که پکن از یک بازیگر محتاط، به یک حامی اصلی یمنی‌ها تبدیل شود.

به نوشته این سایت اسرائیلی، ورود چین به این عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی را آغاز کرده اقدامی که با میانجیگری چین انجام

شد و یکی از محرک‌های اساسی سیاست پیشین پکن در خاورمیانه را دگرگون کرد. با افزایش تنش‌ها میان پکن و واشنگتن، ظرفیت بالقوه تهران در جهت ایفای نقش راهبردی برای پکن نیز بیشتر شده است. نزدیک‌تر کردن ایران به چین می‌تواند در سناریوهایی بحران‌زا - مثلاً درباره تایوان - برای پکن سودمند باشد. رسانه نخبگان سیاست خارجی آمریکا نتیجه‌گیری کرده است: «بدافند هوایی خلا‌حیاتی‌ای است که چین می‌تواند به ایران در پر کردن آن کمک کند. سامانه بدافند هوایی متحرک HQ-9 چین مشابه سامانه پیشرفته «س ۴۰۰» روسیه است. اگر پکن این سامانه را به تهران بفروشد، می‌تواند به ایران کمک کند تا بخشی از حفاظت هوایی خود را باز یابد. ایران همچنین می‌تواند به دنبال معامله‌ای با چین برای نوسازی نیروی مطلقه بازدارنده» از چشم‌انداز گسترده چین، روشن پاکستان با هند در ماه مه عملکرد خوبی داشتند. در میان‌مدت، این بهبودها می‌تواند حملات به ایران را دشوارتر و پرهزینه‌تر کند و دشمنان را از تشدیدهای منطقه‌ای بازدارد. از چشم‌انداز گسترده چین، روشن است این چرخش دیپلماتیک، حرکتی پیچیده و حساب‌شده لایه‌ای دیگر در راهبرد ژئوپلیتیک جهانی این کشور است.

چین از لحاظ تاریخی سیاست «تعامل دوگانه» را در خاورمیانه دنبال کرده است: تقویت روابط اقتصادی با اسرائیل در عین ایجاد مشارکت استراتژیک با ایران، بویژه در زمینه انرژی و امنیت. با این حال، جنگ ۲۰۲۵ تغییر قابل توجهی در نگرش پکن نشان می‌دهد. تنها یک روز پس از حمله اسرائیل، فو کونگ، سفیر چین در سازمان ملل، آشکارا تهاجم رژیم صهیونیستی را نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران خواند. این بیانیه توسط شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین و وانگ یی، وزیر خارجه که حمایت خود را از حق ایران برای دفاع از خود تکرار و دخالت نظامی بیشتر ایالات متحده را رد کردند، تقویت شد. مدرن دیپلماسی می‌نویسد: سیاست چین در قبال ایران فقط یک لفاظی صرف نیست. چین خریدار اصلی نفت ایران است و بیش از ۸۰ درصد صادرات نفت ایران - حتی در بحبوحه تحریم‌های غرب - به چین می‌رود. سند همکاری ۲۵ ساله که سال ۲۰۲۱ امضا شد، وابستگی به انرژی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را عمیق‌تر می‌کند و ایران را به ستون اصلی امنیت متوازن نگه دارد. این کشور به ایران از دور زدن تحریم‌های نفتی کمک کرده و کمک‌های نظامی محدودی ارائه داده اما ممکن است دیگر نیازی به این موازنه‌گری چین نباشد.

به نوشته فارن افزر، مارس ۲۰۲۳، ایران روند عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی را آغاز کرده اقدامی که با میانجیگری چین انجام

ریاکاری تاریخی

انگلیس از اعلامیه بالفور و تجهیز تسلیحاتی رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر تا ادعای حمایت از تشکیل کشور فلسطین

صفحه ۷